



قلمرو زبانی: رویدن: (بن ماضی: رست، بن مضارع:

روی) / **قلمرو ادبی:** گندم: نماد نعمت و حاصلخیزی / خوشه‌های گندم می‌روید: کنایه از اینکه فلسطین حاصل خیز است. / و پیامبران برمی‌خیزند: این سرزمین پیامبرخیز و مقدس است / تلمیح

بازگردانی: ای سرزمینی که حاصلخیزی؛ همچنین منطقه‌ای که بیشتر پیامبران از آن برخاسته‌اند.

پیام: ستایش میهن.

تو را جنوب نامیدم / ای کشتی‌های صیادی که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای ماهی‌ها که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای دفترهای

شعری که مقاومت پیشه کرده‌اید / ای روزهای عاشورا!

قلمرو زبانی: صیادی: ماهیگیری / پیشه: شغل / مقاومت: پایداری /

قلمرو ادبی: کشتی‌های صیادی: مجاز از ماهی‌گیران و ملوانان یا

جانبخشی / ای ماهی‌دریا: جانبخشی؛ همه فلسطینیان ستیزنده‌اند /

دفترهای شعری: مجاز از سرایندهگان مقاومت / ای روزهای عاشورا:

جانبخشی، تلمیح، اغراق

بازگردانی: همه مردم فلسطین یکپارچه در برابر ستم ایستادگی می‌ورزند.

پیام: ایستادگی همه مردم فلسطین.

تو را جنوب نامیدم / تو را آبها و خوشه‌ها / و ستاره غروب

نامیدم / تو را سپیده‌دمی در انتظار زاده شدن / و پیکری در

اشتیاق شهادت نامیدم / تو را انقلاب و شگفتی و تغییر نامیدم

/ تو را پاک و پاکیزه و ارجمند و توانا نامیدم

قلمرو زبانی: پیکر: کالبد، تن، جنه / **قلمرو ادبی:** جانبخشی / واژه

آرایی: تو را، نامیدم / آب: نماد پاکی / ستاره غروب: نماد درخشش

و آگاهی / غروب، سپیده‌دم: تضاد / تو را آنها و... تشبیه پنهان

بازگردانی: مردم فلسطین و جنوب لبنان آگاه‌اند و در انتظار دگرگونی و پیشرفت‌اند. مردم فلسطین و جنوب لبنان بسیار پاک و ارزشمند و توانا هستند.

پیام: مردم فلسطین در پی شکوفایی، شهادت و دگرگونی‌اند.

تو را جنوب نامیدم / ای چون سبزه برآمده از دفتر روزگاران /

ای مسافر دیرین بر روی خار و درد / ای چون ستاره، فروزان

/ ای چون شمشیر، درخشان



ادبیات جهان

از ابتدای کتاب تا این فصل، هرچه خواندیم، مربوط به فضای فکری و معنوی و جغرافیایی میهن عزیزمان ایران بوده است؛ اما در این فصل با متن‌ها و شاعران و نویسندگانی آشنا می‌شویم که بیرون از جغرافیای فرهنگی ایران را تصویر می‌کنند و مسایل سرزمینهای دیگر یا موضوعهای بشری را در جهان، نشان می‌دهند.

از طریق مطالعه این فصل، با افکار مشاهیر، اندیشه‌های ملل و آثار برجسته و شخصیت‌های مشهور ادبیات جهان آشنا خواهیم شد.

آموزه ۱۷ ام: سپیده دم

تو را «جنوب» نامیدم / ای که ردای حسین را بر دوش / و

خورشید کربلا را در برداری

قلمرو زبانی: منظور از جنوب، جنوب فلسطین است / ردا: بالاپوش

/ بر: کنار، آغوش / دوش: شانه / **قلمرو ادبی:** جانبخشی در همه

بیتها / ردای حسین را بر دوش داشتن، خورشید کربلا را در برداشتن:

کنایه از ادامه دادن راه امام حسین / خورشید کربلا: استعاره از امام

حسین / دوش، بر: تناسب / تلمیح به داستان کربلا / جناس همسان:

بر نخست و بر دوم / جناس ناهمسان: در، بر

بازگردانی: ای جنوب فلسطین تو بالاپوش امام حسین را بر شانه انداخته‌ای و کنارت امام حسین است و راه او را ادامه می‌دهی.

پیام: ادامه دادن راه امام حسین.

ای سرخ گل که فداکاری پیشه کردی / ای انقلاب زمین که با

انقلاب آسمان برین / پیوند خورده‌ای

قلمرو زبانی: پیشه: شغل / برین: بالایی / **قلمرو ادبی:** ای سرخ گل:

جانبخشی / سرخ گل، انقلاب زمین: استعاره از جنوب فلسطین /

بازگردانی: فلسطین برای حفظ میهن فداکاری می‌کند و سرچشمه

انقلابات است؛ نیز با دگرگونی آسمان پیوند خورده است. (سرنوشت

آن را خدا رقم می‌زند.)

پیام: جانفشانی برای میهن

ای سرزمینی کز خاکت / خوشه‌های گندم می‌روید / و پیامبران

برمی‌خیزند.



موضوع انتظار در شیعه / گل: دست‌آورد شهادت شهیدان (آزادی، استقلال) / علی و مریم: نماد زن و مرد فلسطینی.

بازگردانی: مرد فلسطینی سرنوشت کشور را رقم می‌زند و زن این سرزمین در انتظار حضرت مهدی است و از دست‌آورد شهیدان بهره می‌برند.

پیام: بزرگداشت شهید.

تاریخ، روزی، روستای کوچکی را / از روستاهای جنوب به یاد خواهد آورد / که «معرکه» خوانده می‌شود. / روستایی که با «صدر» ش، با سینه اش / از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد

قلمرو زبانی: معرکه: آوردگاه، رزمگاه / صدر: سینه؛ امام موسی صدر / **قلمرو ادبی:** تاریخ: مجاز از تاریخ نگاران / ایهام تناسب: صدر/ خاک: مجاز از سرزمین

بازگردانی: تاریخ نگاران روزی جانبازی های مردم روستاهای جنوب لبنان را به یاد می‌آورد. مردم این روستا با همه توان خود با رهبر خود از سرزمین خود و انسانیت دفاع کردند.

پیام: بزرگداشت فلسطین

سرورم! ای سرور آزادگان! / در زمانه سقوط و ویرانی / جز تو، کسی نمانده است / که در زندگی ما نخل و عنب و تاکستان بکارد / جز تو کسی نمانده است؛ / مگر تو! / مگر تو! / پس درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای!

قلمرو زبانی: سرور: سالار / سقوط: فروافتان / نخل: خرمابن / عنب: انگور/ تاکستان: انگورستان/ گشودن: باز کردن / **قلمرو ادبی:** در امید و روشنایی: اضافه استعاری / اغراق

بازگردانی: روزگار ما روزگار سقوط اخلاقی و ویرانی است. در این روزگار تنها مردم فلسطین هستند که از آبادانی و شکوفایی و پاکی دم می‌زنند و ما را به آینده امیدوار می‌سازند.

پیام: بزرگداشت فلسطین

سَمفونی پنجم جنوب، نزار قَبّانی (۱۹۹۸ - ۱۹۲۳ م)
(با کاهش و اندکی تغییر)

قلمرو زبانی: برآمده: بررسته / دیرین: کهن / فروزان: تابان؛ درخشان / درخشان: تابان / خار: تیغ گیاه (هماوا؛ خوار: پست) / **قلمرو ادبی:** چون سبزه برآمده؛ چون ستاره فروزان؛ چون شمشیر درخشان: تشبیه / دفتر روزگاران: اضافه تشبیهی / مسافر دیرین: استعاره از میهن / بر روی خار و درد بودن: کنایه از «در رنج و دشواری بودن»

بازگردانی: لبنان همانند سبزه ای است بررسته از دفتر روزگاران. مردم این سرزمین رنجهای بسیاری کشیده اند و مانند ستاره می‌درخشند و در برابر دشمنانشان مانند تیغ بُزا می‌درخشند.

پیام: بزرگداشت فلسطین

بگذار بوسه ز نیم بر شمشیری که در دستان توست / بگذار گرد و خاک قدمهایت را برگیریم.

قلمرو زبانی: گذاشتن: اجازه دادن / **قلمرو ادبی:** بوسه زدن: کنایه از بزرگ داشتن / شمشیر: نماد ستیز و پیکار / گرد و خاک چیزی را برگرفتن: کنایه از «بزرگ داشتن» / واژه آرای: بگذار

بازگردانی: ما تو را بزرگ می‌داریم زیرا جنگجو و پیکارگری.

پیام: نبرد برای پاسداری از میهن

ای سرور بارانها و فصلها، / تو را عطری نامیدم که در غنچه‌ها خانه دارد / تو را پرستو نامیدم / ای سرور سروران، / ای برترین حماسه!

قلمرو زبانی: سرور: سالار / حماسه: دلوری، شجاعت / **قلمرو ادبی:** تو را عطری ... دارد؛ تو را پرستو نامیدم: تشبیه پنهان / واژه آرای: سرور / اغراق: ای سرور بارانها و فصلها / پرستو: نماد زیبایی / باران: نماد پاکی / فصل: نماد دگرگونی

بازگردانی: تو بسیار ارجمندی. تو مانند بوی غنچه، دل‌آویزی. تو مانند پرستو زیبایی. تو در نبردگاه‌ها حماسه آفریدی.

پیام: بزرگداشت فلسطین

دریا متنی نیلگون است / که علی آن را می‌نویسد / و مریم هر شب، روی شنها / به انتظار مهدی می‌نشیند / و گل‌هایی را می‌چیند / که از انگشتان شهیدان می‌رویند

قلمرو زبانی: نیلگون: همانند نیل آبی رنگ / **قلمرو ادبی:** نیلگون: تشبیه / دریا ... است: تشبیه / تلمیح به داستان حضرت مهدی و



کارگاه متن پژوهی

◀ قلمرو زبانی

۱- به نمونه های زیر، توجه کنید.

▪ بر پایه تناسب (همبستگی)

بر پایه هم معنایی (ترادف)



▪ اکنون بر پایه نمونه های داده شده، نمودارهای زیر را کامل کنید.

الف) تناسب

ب) ترادف



۲- از میان موارد زیر، ترکیبهای وصفی و اضافی را جدا کنید؛ سپس، هسته هر یک را مشخص نمایید.

«ستاره غروب (ترکیب اضافی)، سرور آزدگان (ترکیب اضافی)، مسافر دیرین (ترکیب وصفی)، ماهی دریا (ترکیب اضافی)، برترین حماسه (ترکیب وصفی)»

۳- در مصراع زیر، نقش دستوری اجزای مشخص شده را بنویسید.

«پس، درهای امید و روشنایی را به روی ما بگشای»
مفعول مضاف الیه / متمم / مضاف الیه

◀ قلمرو ادبی

۱- مصرع های زیر را با توجه به آرایه های «تشخیص، کنایه و تشبیه» بررسی کنید.

ای چون سبزه بر آمده از دفتر روزگاران
تشبیه / اضافه تشبیهی

ای کشتی های صیادی که مقاومت پیشه کرده اید!
مجاز از ماهیگیران یا جانبخشی



بگذار بوسه زنیم بر شمشیری که در دستان توست
کنایه / نماد مبارزه / تشخیص (جانبخشی)

۲- کدام واژه مشخص شده، استعاره به شمار می‌آید؟ مفهوم آن را بنویسید.

«ای مسافر دیرین بر روی خار و درد/ ای چون ستاره، فروزان»

استعاره از جنوب کنایه از رنج و سختی نماد آگاهی- تشبیه

۳- شاعر، «باران‌ها» و «فصل‌ها» را در کدام مفاهیم نمادین به کار برده است؟ - باران: نماد نعمت / فصل: نماد دگرگونی

۴- کاربرد مناسب شبکه معنایی، در شعر و نثر، ضمن آنکه به تداعی معانی کمک میکند، سبب زیبایی و دلنشینی سخن می

شود و آرایه «مراعات نظیر» را پدید می‌آورد؛ مثال:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (سعدی)

تناسب کنایه از اینکه مشغول اند مجاز از روزی بدست آوردن کنایه از نادانی

از متن درس، دو نمونه مراعات نظیر بیابید.

ای کشتی‌های صیادی که مقاومت پیشه کرده‌اید. / ای ماهی‌دریا که مقاومت پیشه کرده‌اید.

◀ قلمرو فکری

۱- دریافت خود را از سروده زیر بنویسید.

«تو را جنوب نامیدم / / ای انقلاب زمین که با انقلاب آسمان برین/ پیوند خورده‌ای»

انقلاب امام موسی صدر یک انقلاب خدایی و آسمانی بود. (انقلاب تو سرشت آسمانی و معنوی داشت.)

۲- در سروده زیر:

«ای سرزمینی کز خاکت/ خوشه‌های گندم می‌روید/ و پیامبران برمی‌خیزند»

الف) کدام سرزمین مورد خطاب است؟ - لبنان و فلسطین

ب) مقصود شاعر از مصراع‌های دوم و سوم چیست؟

مصراع دوم بر حصلخیزی میهن و امید به آینده و زندگی دوباره تاکید دارد. مصراع سوم به بعث پیامبران از سرزمین لبنان و فلسطین و مقدس بودن میهن اشاره دارد.

۳- از متن درس، مصراعی را معادل معنایی قسمت مشخص شده بیابید.

«تو را سپیده‌دمی در انتظار زاده شدن/ و پیکری در اشتیاق شهادت نامیدم»

و گل‌هایی را می‌چیند / که از انگشتان شهیدان می‌رویند.



۴- در این بخش از شعرش بر چه نکته‌ای تأکید دارد؟

«ای که ردای حسین بر دوش داری/ و خورشید کربلا را در برداری...»

نماد: کلمه‌ای است که معنایی فراتر یا غیر از لفظ خود را القا می‌کند. مانند: کوه (پایداری) / باران (نعمت و طراوت) / فصل‌ها (دگرگونی)

☞ **تناسب و همبستگی:** آوردن دو یا چند واژه در یک بیت یا عبارت است که وابسته به یک مجموعه باشند؛ مانند: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (سعدی)

☞ ابر و باد و مه و خورشید و فلک همگی پدیده‌های طبیعی اند.

گنج حکمت: مزار شاعر

تیمور لنگ، گاه سوار بر اسبی که لگامی زرین داشت سرگرم اندیشه‌های دور و دراز خود از میدان جنگ به گورستان می‌رفت و از اسب پیاده می‌شد و تنها در میان قبرها به گردش می‌پرداخت و هر گاه بر مزار یکی از نیاکان خود یا شاعری بزرگ، سرداری دلاور و دانشمندی نامدار می‌گذشت، سر فرود می‌آورد و مزار او را می‌بوسید.

قلمرو زبانی: لگامی: افسار، دهنه / مزار: زیارت‌گاه / نیا: پدر بزرگ، جد / نامدار: سرشناس / **قلمرو ادبی:** سرگرم بودن: کنایه از مشغول بودن / سر فرود آوردن: کنایه از تعظیم کردن

تیمور، پس از آنکه شهر توس را گشود، فرمان داد که از کشتار مردم آن دست بردارند؛ زیرا فردوسی، شاعر ایرانی، روزگار خود را در آن به سر برده بود. آنگاه تیمور بر سر مزار او شتافت و چون جذبه‌ای اسرار آمیز او را به سوی فردوسی می‌کشید، خواست که قبرش را بگشاید: «مزار شاعر غرق در گل بود.»

قلمرو زبانی: گشود: فتح کرد / شتافتن: با عجله عازم شدن / مزار: زیارت‌گاه، آرامگاه / جذبه: کشش / اسرار: ج‌سز، رازها (شبه هم آوا ← اصرار: پافشاری) / **قلمرو ادبی:** دست برداشتن: کنایه از منصرف شدن / به سر بردن: کنایه از گذراندن

تیمور در اندیشه شد که پس از مرگ، مزار کشورگشایی چون او چگونه خواهد بود. پس، از راه قره قوم به سوی تاتار آنجا که نیای بزرگش، چنگیز، در معبدی آهنین آرمیده است، روی آورد. در برابر زائر نامدار که زانو بر زمین زده و سر فرود آورده بود، سنگ بزرگی را که بر گور فاتح چین نهاده بودند، برداشتند؛ ولی تیمور ناگهان بر خود لرزید و روی بگردانید: گور ستمگر غرق در خون بود.»

قلمرو زبانی: نیا: پدر بزرگ / معبد: پرستشگاه / آرمیدن: خوابیدن، آسودن / زائر: زیارت‌کننده / **قلمرو ادبی:** آرمیدن: کنایه از دفن شدن و مردن / سر فرود آوردن: کنایه از تعظیم کردن /

فرانسوا کوپه